



A Comparative Study of the Realm of Infallibility of the Prophets from the Perspective of Theologians with the Focus on Seyyed Morteza and Fakhreddin Razi

Mahdi Mahdavi Ala * 

Ph.D of Principles of Islamic jurisprudence,
Qom Seminary, Qom, Iran

Alireza Khatam Shishebor

M.A of Level 3. Qom Seminary, Qom, Iran

Abstract

The attribute of infallibility is one of the most fundamental and important issues of prophecy. It is against the divine wisdom to make mistakes that are not completely correct because of the human guide for religious leaders. Considering that the realm of infallibility has different levels, the scholars of Islamic religions, each influenced by their own ideological foundations, after analyzing and studying the realm of the infallibility of the prophets, have contented themselves with accepting certain levels or degrees of infallibility. The view of the infallibility of the prophets in three stages of dressing up any infidelity and polytheism, as well as considering and preserving the Shari'a, as well as propagating the rules and teachings of the Shari'a, is accepted by all Islamic theologians except Baqalani, who recently has a different theory. The idea of absolute infallibility for the apostles in the order of practicing the law is in line with the characteristics of prophecy and is acceptable. The approach of the prophets to be free from inadvertence, error, and mistake in the ordinary affairs of life is considered by most Imami thinkers. In general, the theory of truth and perfection in the realm of the infallibility of the prophets is the view of the all-encompassing infallibility - in all respects - which is in accordance with the standards and divine wisdom. It is worth mentioning that the present work while paying attention to the views of theologians of the Imami, Mu'tazilite, and Ash'arite religions, focuses more on the thoughts of Seyyed Morteza and Fakhreddin Razi.

Keywords: The Old Burzō-Nāma, Shāh-Nāma, Kōsaj, Manuscript, The Textual Criticism.

* Corresponding Author: talabeqom62@gmail.com

How to Cite: Mahdavi Ala, M., Khatam Shishebor Khatam Shishebor, A. R. (2020). A Comparative Study of the Realm of Infallibility of the Prophets from the Perspective of Theologians with the Focus on Seyyed Morteza and Fakhreddin Razi. *Biannual Journal of Research in Shi'a Comparative Theology*. 2 (3). 179-168.

بررسی تطبیقی قلمروی عصمت انبیاء از منظر اندیشمندان علم کلام با محوریت سید مرتضی و فخرالدین رازی

مهدی مهدوی اعلاء دکتر ی تخصصی فقه و اصول از حوزه علمیه قم، قم، ایران

مهدی مهدوی اعلاء * ID

کارشناسی ارشد سطح سه حوزه علمیه قم، قم، ایران

علی رضا خاتم شیشه‌بر ID

چکیده

ویژگی عصمت از بنیادی‌ترین و مهم‌ترین مباحث نبوت است. زیرا اسوه و راهنمای بشریت بودن برای پیشوایان دین بدون داشتن عصمت نام بر خلاف حکمت الهی است. با عنایت به این که قلمرو عصمت دارای مراتب مختلفی است، دانشمندان مذاهب اسلامی هر یک متأثر از مبانی عقیدتی خویش، پس از واکاوی و مطالعه قلمرو عصمت انبیاء، به پذیرش مراتب یا مرتبه‌ای خاص از عصمت اکتفا نموده‌اند. دیدگاه عصمت انبیاء در سه مرتبه ی پیراستگی از هر گونه کفر و شرک و نیز تلقی و حفظ شریعت همچنین تبلیغ احکام و معارف شریعت مورد پذیرش همه متکلمان اسلامی است جز باقلاتی که در مرتبه اخیر نظریه دیگری دارد. انگاره عصمت مطلق برای رسولان در مرتبه عمل به شریعت هم‌سو با شاخص‌های نبوت و مقبول است. رهیافت پیراسته بودن انبیاء از سهو، خطا و اشتباه در امور عادی زندگی، مطمح نظر بیشتر اندیشمندان امامیه است. در مجموع نظریه ادق و اکمل در باب قلمرو عصمت پیامبران، دیدگاه عصمت همه‌جانبه- در همه مراتب- است. که منطبق با موازین و حکمت الهی است. شایان ذکر است اثر حاضر ضمن توجه به آراء متکلمان مذاهب امامیه، معتزله و اشاعره بیشتر بر اندیشه های سید مرتضی و فخرالدین رازی تمرکز دارد..

کلیدواژه‌ها: عصمت، مراتب عصمت، عصمت در اخذ شریعت، عصمت در عمل به شریعت، عصمت در امور عادی..

۱. مقدمه

عصمت یکی از مهم‌ترین کمالات انسانی است که انبیاء الهی از آن برخوردار بوده‌اند. قلمرو عصمت دارای مراتب مختلفی است و دیدگاه‌های مختلفی نیز در این باره از سوی متکلمان اسلامی مطرح شده‌است. از این‌روی مقال حاضر قلمرو عصمت پیامبران را به پنج مرتبه تبویب و تقسیم نموده‌است. مرتبه نخست پیراسته بودن از شرک در اعتقادات، مرتبه دوم مصونیت از سهو و خطا در دریافت و حفظ شریعت، مرتبه سوم عصمت از نسیان و عصیان در تبلیغ احکام و معارف شریعت، مرتبه چهارم تنزه از گناهان در عمل به شریعت و مرتبه پنجم عصمت و نزاهت از خطا و اشتباه در امور عادی زندگی است. این مقاله با روش اسنادی و تحلیلی می‌کوشد تا در هر یک از مراتب پنج‌گانه مزبور، قالبی از جنس موافقان و مخالفان ساخته، سپس نگره‌ها و دیدگاه‌ها را به‌همراه مستندات و توجیحات آن، در جای مناسب خود قرار داده و بدین‌روی آن‌ها را مورد بازکاوی و ارزیابی قرار دهد. تا پس از سنجش دیدگاه‌های موجود در هر مرتبه، با رونمایی از یک نگاه کلی، به پاسخ این پرسش که رسولان از کدام مرتبه یا مراتب عصمت بهره‌مند بوده‌اند، دست یابد.

عصمت به‌عنوان اساس نبوت در عمده منابع کلامی مطرح شده‌است. سید مرتضی در تنزیه الانبیاء، فخرالدین رازی در عصمت الانبیاء و برخی از متکلمین معاصر مانند آیت‌الله سبحانی در منشور جاوید به جنبه‌های مختلف عصمت از جمله مراتب آن پرداخته‌اند. اما امتیاز پژوهش پیش‌روی نسبت به پژوهش‌های پیشین را می‌توان در ارائه رویکردی نو و تازه از حیث تجمیع، تنظیم و رتبه‌بندی دقیق قلمرو عصمت و جای‌گذاری آراء متکلمان موافق و مخالف در ذیل هر رتبه، به‌ویژه تحلیل و ارزیابی هر یک از رهیافت‌های مورد اشاره، دانست. اینک ضروری است پیش از ورود به مباحث اصلی، پاره‌ای از مفاهیم واژگان کلیدی مورد بررسی قرار گیرد.

۲. مفهوم‌شناسی

در این مجال لازم است مفاهیم پاره‌ای از واژگان کلیدی معطوف نظر قرار گیرد. از این‌روی مفهوم لغوی و اصطلاحی الفاظی چون عصمت و نبی در ذیل مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۲-۱. عصمت

واژه‌شناسان به دو مورد از معانی اصلی وضع شده برای عصمت اشاره نموده‌اند. واژه عصمت نخست به معنای «منع» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۴: ۳۳۱) و دوم مرادف با «امساک» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۵۷۰) آمده است. در مجموع می‌توان هر دو را به معنای واحدی، یعنی «حفظ کردن» بازگرداند. در اصطلاح نیز سه تعریف برای عصمت از سوی متکلمان اسلامی مطرح شده است. تعریف نخست و مطلوب، از سوی بیشتر امامیه (ر.ک؛ مرتضی، ۱۴۰۵، ۳: ۳۲۵) و معتزله (ر.ک؛ عبدالجبار، ۱۴۲۲، ۵۲۹) است. عصمت لطفی از سوی پروردگار بر فرد معصوم است که در پرتو آن، معصوم برای ارتکاب معصیت انگیزه‌ای ندارد. تعریف دوم متعلق به اشاعره است. خداوند معصیت را در عبد خود نمی‌آفریند، با حفظ قدرت و اختیار وی (ر.ک؛ تفتازانی، ۱۴۰۷، ۹۹). تعریف سوم از حکما است. خداوند به معصوم ملکه‌ای از سنخ علم اعطا می‌کند که در سایه آن، صدور هر نوع معصیت کبیره و صغیره از ایشان ممتنع است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ۱۱: ۱۶۲).

۲-۲. نبی

دانشمندان علم لغت در تحدید مفهومی واژه نبی معتقدند. «نبی» به معنای «پیام آور» یا «پیامبر» است. در مورد مبدأ اشتقاق لفظ نبی نیز احتمالاتی وجود دارد. نخست نبی از «نبا» به معنای خبر است (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ۵: ۳۸۵). دوم نبی از «ن ب و» با مصدر نباوت یا نبوت به معنای ارتفاع اخذ شده است (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱: ۱۶۲). سوم نبوت از «نبی‌ء» به معنای طریق واضح است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۸: ۳۸۲). و در اصطلاح؛ به انسان رساننده پیام‌های مستقیم الهی «بدون وساطت بشری» اطلاق می‌شود (ر.ک؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۵، ۲۹۵). «رسول» نیز انسان مبعوث از سوی خداوند، جهت رساندن احکام به خلق است (ر.ک؛ جرجانی، ۱۴۱۲، ۴۹). نکته: در اصطلاح کلامی میان نبی و رسول، تفاوتی وجود ندارد مگر اینکه دو حیثیت مختلف از مصداقی واحدند (ر.ک؛ ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۵، ۳۲۸). اکنون با ورود به صمیم بحث، قلمرو عصمت انبیاء طی یک تقسیم منطقی به پنج مرتبه صورت‌بندی می‌شود. دیدگاه موجود در ذیل هر رتبه نیز از سه زاویه (تیین، براهین، ارزیابی) نفیاً و اثباتاً مورد بازکاوی قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱. عصمت در مرتبه اعتقادات

حدود مفهومی عصمت در عقائد چنین تقریر می‌شود. پیامبران از هر گونه انحراف عقیدتی پیراسته‌اند و در هیچ برهه‌ای از زمان در عقیده خود به توحید غفلت نوزیده و هرگز متوجه و متمایل به آلهه و بت‌ها نشده‌اند. بنابراین در مجموع دوران حیات خویش بدون لحظه‌ای غفلت، همواره خود را حاضر در پیشگاه خداوند دیده و تنها از او استمداد جسته‌اند.

۲-۲-۲. تبیین دیدگاه

متکلمان مذاهب مختلف اسلامی به اجماع معتقدند، پیامبران در زمان نبوت و پیش از آن، از هر گونه شرک و کفر در ایمان و عقیده معصوم هستند (ر.ک؛ ایجی، بی‌تا، ۳۵۹؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ۷: ۸؛ لاهیجی، ۱۳۸۳، ۴۲۲). هر چند پاره‌ای از فرق چون ازارقه و فضیلیه از خوارج، باور به جواز شرک انبیاء دارند ولی در تعریف ایشان مشرک همان مرتکب معاصی کبیره است و نیز ابن فورک بعثت نبی کافر را روا دانسته، اما می‌گوید عملاً واقع نشده - است (ر.ک؛ جرجانی، ۱۳۲۵، ۸: ۲۶۴).

۲-۲-۳. برهان

از عمده براهین متقن بر عصمت رسولان از کفر و شرک در عقیده، برهان اعطاء معجزه است. خداوند بر پایه لطف خود، جهت هدایت مردم و پذیرش دعای انبیاء، پیامبران را به ویژگی معجزه تجهیز نمود. بدون تردید پیام آوران صاحب معجزه در اندیشه و اعتقاد خویش از هر گونه انحراف و شرک در عقیده (پیش از نبوت و پس از آن) مصون و محفوظ هستند. زیرا اعطای معجزه به پیامبری که دچار انحطاط اندیشه و شرک در عقیده می‌شود مسلماً معارض و منافی با حکمت خداوند است. چون در این صورت مردم را به سوی شرک سوق می‌دهد. پس پیامبران در اعتقادات خویش معصوم‌اند (ر.ک؛ حمصی رازی، ۱۴۱۲، ۱: ۴۲۵).

۲-۲-۴. ارزیابی

باور به عصمت پیامبران از شرک و کفر در عقیده، مورد توافق متکلمان مذاهب مختلف اسلامی است (ر.ک؛ ایجی، بی‌تا، ۳۵۹) اما موارد مخالفی بسان ابن فورک در عین پذیرش «امکان» شرک، اما از حیث وقوع آن را منتفی می‌داند و فرقی نظیر ازارقه و فضیلیه نیز هر چند «ظاهراً» انبیاء را پیراسته از کفر نمی‌دانند اما حقیقتاً منظورشان نفی عصمت از معاصی است

(کفر عملی نه اعتقادی) (ر.ک؛ جرجانی، ۱۳۲۵، ۸: ۲۶۴) بدان روی که ایشان «مرتکب کبائر» را کافر می‌شمارند (مرتضی، ۱۴۱۱، ۳۳۷). بنابراین در این مرتبه حقیقتاً نگره مخالفی وجود ندارد. چون سنخ مخالفت ایشان به جهت خروج از موضوع اساساً مسموع نیست. اقامه برهان اعطاء معجزه، اگرچه در اثبات عصمت از شرک، برهانی مستحکم است. ولی به نظر می‌رسد میزان شمول این دلیل محدود به دوران نبوت است. اما نسبت به زمان پیش از نبوت ساکت است. ولی این نقیصه را می‌توان به مدد برهان وثوق جبران نمود. که در بخش‌های بعد شرح این برهان به‌همراه عمومیت و شمول آن تقریر خواهد شد.

۳. عصمت در مرتبه دریافت و حفظ شریعت

در تبیین مفهوم عصمت در دریافت شریعت می‌توان گفت. پیامبران شریعت را به طور دقیق و بدون هرگونه زیاده و نقصانی از مبدأ و حیانی دریافت می‌کنند. عصمت در حفظ شریعت نیز یعنی انبیاء در فاصله‌ی میان اخذ تا ابلاغ شریعت، در حفظ و نگهداری شریعت دچار سهو و نسیان نمی‌شوند. ضمناً در این مرتبه خطای عمدی متصور نیست بلکه آنچه مطرح است سهو و نسیان است (ر.ک؛ سبحانی، ۱۳۸۳، ۳: ۱۸۰).

۱-۳. تبیین دیدگاه

متکلمان مذاهب اسلامی به اتفاق آراء برآن‌اند که، انبیاء در تلقی و حفظ شریعت از هرگونه سهو، خطا و نسیان مصون و مبری هستند. حائز اهمیت است بدانیم بیشتر اندیشمندان اسلامی اعم از امامیه و اهل سنت به‌طور صریح به عصمت انبیاء در این مرتبه نپرداخته‌اند. از میان مذاهب اهل سنت، چون عصمت در ابلاغ شریعت را پذیرفته‌اند می‌توان فهمید ضرورتاً به عصمت در اخذ شریعت نیز معتقدند- بدان جهت که تلقی وحی مقدمه‌ی تبلیغ وحی است (ر.ک؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ۷: ۱۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ۳: ۴۵۵). اما دانشمندان امامیه، از قدما تا معاصر عصمت پیامبران را مطلق می‌دانند (یعنی از لحظه‌ی ولادت تا پایان حیات خویش از هرگونه سهو، اشتباه و معصیت مصون هستند)، و لازمه این عصمت مطلق، مسلماً عصمت در اخذ و حفظ شریعت است (ر.ک؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۱۲۹؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۵، ۳۰۴). هر چند شماری از اندیشمندان نیز بر صیانت در مرتبه حاضر تصریح نموده‌اند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۸، ۱۳۴؛ سبحانی، ۱۳۸۳، ۳: ۱۸۰).

۲-۳. برهان

یکی از براهین خدشه‌ناپذیر عقلی بر عصمت پیامبران در مرتبه اخذ و حفظ شریعت، برهان وثوق و حصول غرض است. بدین صورت که اگر پیامبران در مقام دریافت و حفظ معارف و احکام الهی معصوم نباشد، غرض از نبوت که ابلاغ پیام‌های الهی در زمینه هدایت بشر به انسان‌هاست تحقق نخواهد یافت. این در حالی است که مسلماً نقض غرض در مورد افعال خداوند حکیم، محال است (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳، ۱۳۰؛ طوسی، ۱۴۰۷، ۲۱۳).

۳-۳. ارزیابی

اتقان برهان مزبور از سوی متکلمان اسلامی، امری مسلم است. و صیانت انبیاء در مرتبه دریافت و حفظ شریعت، مبتنی بر این دلیل مسموع و مورد پذیرش است. در غیر این صورت فرض ورود احتمال خطا و اشتباه توسط پیامبران در مقام دریافت و حفظ شریعت، به تناقض در غرض بعثت با محتوای شریعت می‌انجامد. قطعاً حکمت خداوند نافی ناسازگاری میان غرض بعثت با عصمت در اخذ و حفظ شریعت است. از این روی به اتفاق، عصمت پیامبران در مرتبه دریافت و حفظ شریعت، متقن و انکارناپذیر است.

۴. عصمت در مرتبه تبلیغ احکام و معارف شریعت

روشن‌ترین تعریف از عصمت در تبلیغ احکام و معارف شریعت چنین است؛ پیامبران شریعت الهی را بدون تغییر عمدی و سهوی و دقیقاً مطابق با آنچه از مبدأ اعلی دریافت نموده‌اند به مردم ابلاغ می‌نمایند.

۴-۱. دیدگاه موافقان

در این مقطع یک انگاره موافق وجود دارد که از جهات مختلف مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۱-۱. تبیین نگره

ضرورت عصمت پیامبران در مرتبه تبلیغ معارف شریعت، به قدری مورد توجه اندیشمندان جهان اسلام بوده که بر آن اجماع نموده و معتقدند انبیاء از ارتکاب سهو، خطا و معصیت در تبلیغ معارف شریعت مصون هستند (ر.ک؛ ایجی، بی‌تا، ۳۵۸؛ تفتازانی، ۱۴۰۹، ۵؛ ۴۹؛ ابن

ابی الحدید، ۱۳۷۸، ۷: ۱۸؛ عبدالجبار، ۱۹۶۲، ۱۵: ۲۸۱؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ۳: ۴۵۵). از میان متکلمان امامیه هر چند قدما تصریح بر عصمت در مرتبه تبلیغ شریعت ننموده‌اند. ولی با گزینش نظریه عصمت مطلق، ضرورتاً بدست می‌آید که ایشان معتقد به عصمت در مرتبه تبلیغ شریعت هستند (ر.ک؛ سید مرتضی، ۱۲۵۰، ۲؛ طوسی، ۱۴۰۶، ۲۶۰؛ علامه حلی، ۳: ۲۷۴) اما پاره‌ای از متأخرین به صراحت بر عصمت در مرتبه یادشده تاکید نموده‌اند (ر.ک؛ عسکری، بی تا، ۷۳-۷۵؛ سبحانی، ۱۳۸۳، ۳: ۱۸۰).

۴-۱-۲. برهان

اعطای معجزه به پیامبران، برهان مستحکم عقلی بر صحت مدعا و مصونیت ایشان در عرصه تبلیغ و تطبیق شریعت است. دروغ، سهو و خطا در آنچه انبیاء به خداوند نسبت می‌دهند راه ندارد. چون اعطای معجزه از سوی خداوند به شخص، به منزله تأیید قول و فعل وی است. از این روی اگر بنا باشد رسولان از روی کذب، چیزی را به خداوند نسبت دهند. تأیید چنین پیامبری با اعطای معجزه به وی، در حکم تصدیق فرد دروغگو است. در حالی که تصدیق دروغگو از ناحیه مولای حکیم، قبیح و ناپسند است. و به هیچ وجه فعل قبیح از خداوند حکیم سر نمی‌زند. بدین روی تجهیز نمودن پیامبران از سوی خداوند به ابزار معجزه، دلیلی خدشه‌ناپذیر بر پیراستگی ایشان در تبلیغ و تطبیق شریعت است (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۰۶، ۲۶۰؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ۷: ۱۸؛ فخرالدین رازی، ۱۴۰۷، ۸: ۲۶۳).

۴-۱-۳. ارزیابی

از مجموع آراء متکلمان مذاهب مختلف اسلامی مبنی بر پیراستگی انبیاء از سهو، اشتباه و معصیت در مرتبه تبلیغ احکام و معارف شریعت کشف می‌شود عصمت در مرتبه مزبور، به ضمیمه برهان متقن ارائه شده، مورد پذیرش بیشتر اندیشوران اسلامی است. اگرچه تنها یک نفر از متکلمان به مخالفت با اجماع پرداخته است. که در بخش بعدی (دیدگاه مخالفان) به طور مفصل مورد کاوش قرار می‌گیرد.

۴-۲. دیدگاه مخالف

اینک می‌توان در ذیل مباحث پیش‌روی به تنها نظریه مطرح شده در این زمینه اشاره نمود.

۴-۲-۱. تبیین نگره

فقط ابوبکر باقلانی است که به رغم دیدگاه مجموع متکلمان اسلامی، باور دارد صدور سهو و خطا از سوی پیامبران در مرتبه ابلاغ شریعت، جایز و روا است (ر. ک؛ ایجی، بی تا، ۳۵۸؛ تفتازانی، ۱۴۰۹، ۵: ۴۹).

۴-۲-۲. برهان

صدور اعجاز از ناحیه انبیاء منافاتی با ارتکاب سهو و اشتباه در تبلیغ معارف شریعت ندارد. تنها زمانی دلالت معجزه بر عصمت پیامبر نقض می شود که وی مرتکب کذب و افترای عمدی شود اما اگر کذب از روی سهو و سبق لسان باشد هرگز معارض و منافی معجزه نیست و ارتکاب آن مانعی ندارد (ر. ک؛ ایجی، بی تا، ۳۵۸؛ جرجانی، ۱۳۲۵، ۸: ۲۶۳).

۴-۲-۳. ارزیابی

آنچه باقلانی به عنوان دلیل بر مدعای خود اقامه نموده (مبنی بر انکار عمومیت معجزه بر فراگیری عصمت از کذب سهوی) ناکارآمد بوده و قادر به اثبات ادعای وی نیست. زیرا افزون بر موید بودن وحدت آراء متکلمان مسلمان «مبنی بر شمول دایره اعجاز بر عصمت از معصیت سهوی و خطایی»، صغرای قیاس و مدعای ایشان - عدم ملازمه معجزه با معصیت خطایی - مخدوش بوده و ملازمه ثابت نیست. بدان جهت که سخن وی تنها صرف ادعا بوده و دلیلی بر آن اقامه نشده است. در برابر، ضرورتاً می توان گفت اعطای معجزه به پیامبران با پیراستگی از خطا و معصیت ملازمه دارد. چون ارتکاب عصیان توسط آورندگان پیام هدایت و لو به صورت سهوی، ریزش یا حداقل کاهش اعتبار معجزه را نتیجه می دهد، که قطعاً منافی با حکمت پروردگار است. از این روی عصمت از سهو در تبلیغ شریعت، به حکم عمومیت دلالت برهان معجزه، حتمی و ثابت است (ر. ک؛ عبدالجبار، ۱۹۶۲، ۱۵: ۲۸۱).

۵. عصمت در مرتبه عمل به شریعت

تقریری گویا از عصمت انبیاء در عمل نمودن به شریعت چنین است. رسولان در انجام احکام واجب الهی و پرهیز از منهیات الهی، به هیچ وجه دچار سهو، اشتباه و معصیت نمی شوند.

۵-۱. دیدگاه موافقان

عصمت در مرتبه مزبور معرکه الاراء متکلمان اسلامی است. اندیشمندان از مذاهب مختلف هر یک مبتنی بر مبانی فکری خویش انگاره‌های مختلفی را مطرح نموده‌اند. در این مجال رهیافت‌های مختلف در ذیل مورد کاوش قرار می‌گیرد:

۵-۱-۱. دیدگاه نخست

اکنون می‌بایست در ابتدا نظریه تبیین شود سپس برهان مورد استناد ایشان مطرح و نهایتاً به بوته ارزیابی گذارده شود.

۵-۱-۱-۱. تبیین نگره عصمت مطلق

بیشتر متکلمان از مذهب امامیه معتقدند پیامبران از بدو ولادت تا پایان حیات خویش، هرگز مرتکب سهو، اشتباه و معاصی نشده‌اند، نه پیش از نبوت و نه پس از آن، نه کبیره و نه صغیره، نه عمدی و نه سهواً. بنابراین قلمرو عصمت ایشان مطلق و فراگیر است (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۱۲۹؛ سید مرتضی، ۱۲۵۰، ۲؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۵، ۳۰۳؛ سبحانی، ۱۴۱۲، ۳؛ ۱۶۶).

۵-۱-۱-۲. برهان

یکی از براهین متقن بر عصمت انبیاء در مرتبه عمل به شریعت، برهان وثوق و حصول غرض است. رفتار و کردار پیامبران نظیر سخن‌شان حجت است. اساساً وثوق و حصول اطمینان از کلام هر گوینده، زمانی حاصل می‌شود که بین کردار و گفتار او تناقض و تعارضی مشاهده نشود. بنابراین هنگامی که پیامبر الهی با زبان خود، فرد یا گروهی را نسبت به ارتکاب عملی نهی نماید و در عین حال خودش به ارتکاب همان عمل مورد نهی خود پردازد، چه عمدی باشد چه سهوی، قطعاً موجب سلب وثوق و اطمینان مردم خواهد شد. و غرض الهی که هدایت مکلفین و مردم از مسیر تفسیر شریعت بوسیله رفتار و کردار انبیاء است نقض می‌شود. اما بر همگان واضح است که نقض غرض از جانب مولای حکیم مستحیل است. از این‌رو مصون بودن پیامبران از خطا و معصیت عمدی و سهوی، کبیره و صغیره، در زمان نبوت و پیش از آن، به جهت برقراری اعتماد عمومی و حصول غرض الهی امری اجتناب‌ناپذیر است (سید مرتضی، ۱۲۵۰، ۴؛ طوسی، ۱۴۰۷، ۲۱۳).

۵-۱-۱-۳. ارزیابی

برگزیدن انبیاء از سوی خداوند با هویتی هدایت‌گرانه در صورتی می‌تواند سبب تعمیق باورها، تربیت، تزکیه و تعالی انسان شود که پیامبران در عمل نمودن به شریعت از هر گونه سهو، نسیان و معاصی، مصون و معصوم باشند. بلکه مردم زمانی وثوق و اطمینان کامل پیدا می‌کنند و نسبت به فرامین و دستورات رسولان مطیع و منقاد محض می‌شوند که قلمرو عصمت ایشان محدود به زمان نبوت نباشد حتی می‌بایست پیش از ایام نبوت نیز پیامبران را عاری از پلیدی و آلودگی ظاهری و باطنی بدانند. پس مبتنی بر مدعای انگاره یادشده، عصمت در همه ایام حیات انبیاء، ثابت است. برهان وثوق و حصول غرض نیز کاملاً منطبق و به‌تمامه قلمرو مزبور را پوشش می‌دهد. چون برهان وثوق هر نوع عصیانی را در طول حیات پیامبر در بر می‌گیرد (عمدی و سهوی، پیش از نبوت و در زمان نبوت، کبیره و صغیره)، حتی نسبت به ارتکاب معاصی در خفا نیز بیان دارد. چون اگر صدور سهو و خطا در خلوت از انبیاء ممنوع نباشد احتمال تسری و ظهور خطا در جلوت نیز ممتنع نیست. بنابراین دلالت برهان وثوق، دلیلی تام است و هر نوع گناه و عصیانی را از بدو آفرینش تا پایان عمر فرا می‌گیرد.

۵-۱-۲. دیدگاه دوم

اینک به تقریر دومین نگره پرداخته می‌شود. پس از آن توجیه و نیز سنجش اعتبار نظریه در ادامه اقامه می‌شود.

۵-۱-۲-۱. تبیین نگره عصمت از معصیت کبیره و صغیره نفرت‌زا

از میان مذاهب اسلامی بیشتر معتزله بر آن‌اند که رسولان در ایام پیش از نبوت همانند دوران نبوت از هر گونه معصیت کبیره عمدی و سهوی، و صغیره‌ای که فقط مورد نفرت عموم مردم است منزّه و مصون هستند (عبدالجبار، ۱۴۲۲، ۳۸۷؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ۷: ۸).

۵-۲-۱-۲. برهان

بعثت پیامبر و عصمت او، لطف و موهبت خداوند بر بندگان است. بر خداوند از باب لطف واجب و لازم است که با تضمین پاکی و آراستگی ظاهری و باطنی رسولان از اعمال نفرت‌آور، مردم را به هدایت و سعادت نزدیک نماید. چون رویت تعارض در قول و فعل پیامبران

موجب نفرت و مانع پذیرش آورده‌های وحیانی می‌شود. در حالی که انسان‌ها زمانی پذیرای شریعت‌اند که نسبت به افعال پیشوایان، تنفر نداشته باشند. بنابراین لطف خداوند اقتضا می‌کند، انبیاء از گناهان نفرت‌زا خواه کبیره یا صغیره محفوظ بمانند (عبدالجبار، ۱۴۲۲، ۳۸۷؛ همان، ۱۹۶۲، ۱۵: ۲۸۱؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ۷: ۸).

۵-۱-۲-۳. ارزیابی

بر پایه این دیدگاه، پیامبران از معاصی کبیره و صغیره‌ای که نفرت‌آور است معصوم‌اند. اما محدود نمودن قلمرو عصمت پیامبران به امور نفرت‌آور، ناقص و غیر مکفی است. پیامدهای تربیتی، یکی از ضعف‌های نگره یاد شده است. یعنی مردم با مشاهده معاصی ولو غیر نفرت‌آور از سوی انبیاء، باب عصیان و تجری را نسبت به اوامر و نواهی شارع، در برابر خود باز می‌بینند. و به بهانه نفرت‌آور نبودن، به ارتکاب حجم وسیع‌تری از معاصی مبادرت می‌ورزند. افزون بر آن ماهیت معصیت و ذات گناه، ثابت، باقی و نامشروع است چون گناه مخالفت با رضای الهی است و مرضای الهی به‌هیچ‌وجه در ارتکاب گناه ولو غیر نفرت‌زا قرار نمی‌گیرد. بدین‌روی مدعا و برهان مزبور نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای جامعه در امر هدایت باشد.

۵-۱-۳. دیدگاه سوم

در این‌جا لازم است به ترتیب هر یک از تبیین، استدلال و ارزیابی این دیدگاه ارائه شود.

۵-۱-۳-۱. تبیین نگره عصمت از معاصی، در ایام نبوت

در بین اندیشوران مذاهب اسلامی، متکلمان اشاعره معتقدند رسولان تنها پس از مبعوث شدن به رسالت از عصیان کبیره، خواه عمدی یا سهوی و از صغیره‌ی عمدی و غیر عمدی که نفرت‌زا باشد معصوم و مطهر هستند (ر.ک؛ جرجانی، ۱۳۲۵، ۸: ۲۶۴؛ تفتازانی، ۱۴۰۹، ۵: ۵۰).

۵-۱-۳-۲. برهان

رهیافت فوق بر پایه برهان حرمت تبعیت می‌گوید؛ احتمال صدور معصیت از سوی رسولان در ایام نبوت، قابل پذیرش نیست. زیرا تبعیت از انبیاء پس از بعثت، مبتنی بر آیه قرآن ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي، يُحِبِّبْكُمْ اللَّهُ﴾ «بگو، اگر خدا را دوست دارید، پس مرا پیروی

کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد» (آل عمران / ۳۱) امری ضروری است. و عدم پیروی از ایشان در حکم مخالفت با امر الله و حرام است. در حالی که می‌دانیم ترک پیروی از پیامبران زمانی که ایشان مرتکب گناه می‌شوند ضرورت دارد. پس انبیاء در زمان نبوت می‌بایست از هر گونه گناه و معصیت محفوظ باشند تا مردم به سبب پیروی از ایشان (مبتنی بر قاعده حرمت تبعیت) مشمول گناه نشوند (ر.ک؛ جرجانی، ۱۳۲۵، ۸: ۲۶۴؛ تفتازانی، ۱۴۰۹، ۵: ۵۱).

۵-۱-۳-۳. ارزیابی

استدلال نمودن به حرمت تبعیت از گناه بر لزوم عصمت انبیاء، اختصاص به دوران نبوت ندارد. زیرا رابطه‌ی منطقی بین تبعیت از انبیاء و عصمت ایشان، تساوی نیست بلکه عام مطلق است. چون مفاد آیه بر نفی عصمت در زمان پیش از نبوت دلالت ندارد. بلکه بر عمومیت عصمت در طول حیات ایشان اشعار دارد. زیرا ارتکاب قبایح و گناهان در ایام پیش از نبوت معارض با اطمینان و اعتماد عمومی در زمان نبوت است و گرنه مردم در پذیرش سخنان ایشان و اخبار از غیب و آورده‌های آسمانی استنکار خواهند داشت. بنابراین از سویی چنانچه در ارزیابی انگاره پیشین گذشت محدود نمودن قلمرو عصمت بر گناهان غیر نفرت‌آور صحیح نیست. از سوی دیگر آیه مورد استناد نسبت به زمان پیش از نبوت اشعار دارد یا حداقل ساکت است. و شمول دامنه عصمت در ایام پیش از نبوت به مدد مستندات دیگر اثبات می‌شود.

۵-۲. دیدگاه مخالفان

پاره‌ای از دانشمندان مکاتب اسلامی مبتنی بر پیش فرض‌ها و اصول مکتبی خود از پذیرش قلمرو عصمت در ابعادی خاص اجتناب ورزیده‌اند. در ذیل هر یک از نگره‌ها به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۵-۲-۱. دیدگاه نخست

در آغاز اصل مدعای این نظریه تقریر می‌شود و برهان ایشان به همراه ارزیابی نیز به دنبال آن خواهد آمد.

۵-۲-۱-۱. تبیین نگره عدم عصمت از معاصی کبیره در ایام رسالت

بعضی از فرق مسلمین نظیر کرامیه از حشویه و ازارقه از خوارج معتقدند، رسولان در تمام طول زندگی از ارتکاب هیچ یک از گناهان- خواه کبیره یا صغیره، از روی عمد یا سهو، پس از نبوت یا پیش از آن- مبری و مصون نیستند (ر.ک، ابن حزم، ۱۴۱۶، ۲: ۲۸۴). اگرچه از نظر ازارقه ارتکاب هر گونه عصیانی، کفر قلمداد می‌شود (ر.ک؛ تفتازانی، ۱۴۰۹، ۵: ۴۹)، همین‌طور ابوبکر باقلانی صدور معصیت کبیره از سوی نبی را پس از بعثت از روی سهو روا می‌داند (ر.ک؛ جرجانی، ۱۳۲۵، ۸: ۲۶۵).

۵-۲-۱-۲. برهان

باقلانی با اتکا بر دلیل اعجاز می‌گوید اعطاء معجزه به انبیاء هیچ‌گونه منافاتی با صدور گناه کبیره سهوی از سوی پیامبران ندارد. و تنها زمانی اعجاز به‌عنوان سندی متقن بر صحت قول معصوم، نقض می‌شود که پیامبر از روی عمد مرتکب گناه کبیره شود. پس ارتکاب سهوی معصیت کبیره و صغیره روا بوده و نقض معجزه را نتیجه نمی‌دهد (ر.ک؛ تفتازانی، ۱۴۰۹، ۵: ۵۰). و فرقه حشویه بر صحت مدعای خود چنین استدلال می‌کند؛ حضرت یوسف نسبت به ذلیخا و حضرت داوود نسبت به همسر اوریا در زمان نبوت‌شان مرتکب گناه کبیره شدند. بنابراین صدور معصیت کبیره از همه‌ی انبیاء در ایام رسالت جایز است (ر.ک؛ عبدالجبار، ۱۴۲۲: ۳۸۷).

۵-۲-۱-۳. ارزیابی

دلیل باقلانی مبنی بر قابل جمع بودن، بین اعجاز و ارتکاب سهوی معاصی قابل پذیرش نیست. بلکه جواز صدور گناهان کبیره از ناحیه پیامبران بویژه در زمان نبوت مسلماً منافعی با معجزه است. چون ارائه معجزه به معنای تصدیق ضمنی مجموع رفتار و کردار وی از سوی پروردگار حکیم است و خلاف غرض و حکمت است که خداوند نقش هدایت‌گری را به فردی معصیت‌کار بسپارد (ر.ک؛ ایجی، بی‌تا، ۳۵۸؛ تفتازانی، ۱۴۰۹، ۵: ۵۰). در مورد حشویه نیز صغرای دلیل ایشان مبنی بر اسناد آلودگی به دامن دو پیامبر، گزافه و کذب محض است. زیرا اتهام عدم عفاف به حضرت داوود از اسرائیلیات بوده و صاحب‌نظران مذاهب مختلف اسلامی آن را کذب محض می‌دانند (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۹۸۶، ۲: ۱۵۱؛ آمدی، ۱۴۲۳، ۴: ۱۸۶). درباره عصمت ورزیدن حضرت یوسف نسبت به ذلیخا و زنان اشراف مصر، متقن‌ترین

سند وضوح آیاتی از قرآن است (یوسف/۲۸ و ۳۳). بنابراین مدعای این رهیافت به همراه دلیل آن مخدوش است.

۲-۲-۵. دیدگاه دوم

اینک طی سه گام به تحدید نظریه، برهان اقامه شده توسط ایشان و بازکاوی آن پرداخته می‌شود.

۱-۲-۲-۵. تبیین نگره عدم عصمت از معاصی کبیره در ایام پیش از رسالت

بیشتر متکلمان مکتب اشاعره و برخی از معتزله مانند ابو علی جبایی معتقدند؛ انبیاء پیش از مبعوث شدن به نبوت، پیراسته از گناهان کبیره نیستند (ر.ک؛ ایجی، بی تا، ۳۵۹؛ عبدالجبار، ۱۴۲۲، ۳۸۷؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ۷: ۱۰).

۲-۲-۲-۵. برهان

میان اعطاء معجزه و ارتکاب معصیت از سوی پیامبران در ایام پیش از نبوت هیچ گونه منافاتی وجود ندارد. بنابراین اعتبار معجزه تنها زمانی نقض می‌شود که انبیاء پس از مبعوث شدن به رسالت مرتکب معصیت کبیره شوند (ر.ک؛ ایجی، بی تا، ۳۵۹؛ قاری هروی، ۱۴۲۱، ۲: ۲۰۱).

۳-۲-۲-۵. ارزیابی

مستدل می‌گوید اعطاء معجزه به نبی با صدور گناه در ایام پیش از نبوت، هیچ گونه منافاتی ندارد. در حالی که اولاً دلیل معجزه در نگاه بدوی، نفی و اثباتاً نسبت به عدم و ارتکاب معاصی در زمان پیش از رسالت ساکت است بدین‌روی دلیل مزبور اخص از مدعا و ناکارآمد است. ثانیاً اتفاقاً حکمت الهی جهت پیشبرد اهداف رسالت اقتضا دارد زمینه جلب اعتماد و تالیف قلوب مردم را فراهم آورد تا کارنامه گذشته انبیاء سبب دوری گزیدن مردم از پذیرش آموزه‌های وحیانی در زمان نبوت نشود. بنابراین عصمت از گناهان برای پیشوایان، پیش از مبعوث شدن به نبوت نیز ضروری است. حتی ناپیراستگی در ایام پیش از نبوت در حقیقت منافی با معجزه و اهداف آن است.

۵-۲-۳. دیدگاه سوم

در این مجال به تقریر و استدلال این رهیافت پرداخته می‌شود سپس مورد سنجش قرار می‌گیرد.

۵-۲-۳-۱. تبیین نگره عدم عصمت از معاصی صغیره

جوینی و ابوهاشم باور دارند سر زدن معصیت صغیره عمدی از رسولان پس از نبوت روا و جایز است و نافی عصمت نیست (ر.ک؛ تفتازانی، ۱۴۰۹، ۵: ۵۰؛ جوینی، ۱۴۱۶، ۱۴۴؛ فخر رازی، ۱۴۰۹، ۲۷). همچنین ابو علی جبایی هرچند رسولان را در زمان بعثت، مصون از عصیان صغیره عمدی می‌داند، ولی معصوم از گناه به نحو خطا در تأویل نمی‌داند (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۰۹، ۲۷).

۵-۲-۳-۲. برهان

پیامبران با ارتکاب معاصی صغیره سزوار نیست مورد مذمت قرار گیرند. چون اساساً فاعل معصیت صغیره استحقاق مذمت ندارد (ر.ک؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ۷: ۱۲).

۵-۲-۳-۳. ارزیابی

در صدق عصیان، میان معصیت کبیره و صغیره تفاوتی وجود ندارد. هر دو در گناه بودن مشترک‌اند. و گناه ذاتاً و ماهیتاً چیزی جز طغیان و سرپیچی از نواهی و اوامر مولی نیست. پس مسلماً فاعل معصیت، مستحق توبیخ و عقاب است. افزون بر آن ارتکاب معاصی، خواه کبیره باشد یا صغیره، از جانب پیامبران که در مقام تبیین و تشریح معارف دینی‌اند، معارض و منافی با غرض بعثت است. حکمت خداوند از بعثت در این نیست که آمر و مبین شریعت خود عامل به احکام شریعت نباشد. پس فاعل معصیت، ولو معصیت صغیره باشد، مسلماً مستحق مذمت و توبیخ است. به‌ویژه استحقاق عقاب در انبیاء به جهت دارا بودن هویت هدایت‌گرانه مضاعف می‌شود. از این‌رو ضعیف جدی در مدعا و توجیه مزبور مشهود و نگره فوق‌مردود است.

۵-۲-۴. دیدگاه چهارم

اکنون به تبیین آخرین نظریه از مخالفان به‌همراه دلیل آن‌ها پرداخته می‌شود و در نهایت مورد اعتبارسنجی قرار می‌گیرد.

۵-۲-۴-۱. تبیین نگره عدم عصمت از اسهاء

محمد بن ولید و شیخ صدوق با اعتنا به حدیث ذوالیدین مبنی بر سهو پیامبر □ در نماز معتقدند پیامبر □ در یک نماز فریضه چهار رکعتی، در رکعت دوم سهوا سلام داد، و با اطلاع یافتن از سهو خود توسط مأمومین، مشغول به ادامه نماز شد و نماز را تمام کرد، چنین سهوی ناشی از خواست پروردگار است که اصطلاحاً اسهاء یا سهو رحمانی نامیده می‌شود (ر.ک؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۱: ۳۳۴).

۵-۲-۴-۲. برهان

صدور سهو در نماز توسط پیامبر (ص) از نوع سهو حادث از شیطان نیست که عامه انسان‌ها مبتلا هستند، بلکه سهو رحمانی است. یعنی حق تعالی از باب ترحم بر مکلفین، القاء سهو بر پیامبر خود نمود. در این صورت اولاً خداوند بر جنبه بشریت وی صحه می‌گذارد. ثانیاً از این رهگذر مردم نیز در اندیشه خود نسبت به پیامبر (ص) از داشتن نگاه ربوبی و شرک‌آلود پیراسته می‌شوند. افزون این دو، مکلفان با روایت سهو النبی (ص) عملاً بر احکام سهو خود اطلاع می‌یابند و در موارد ارتکاب سهو نیز از ملامت یکدیگر اجتناب می‌ورزند (همان).

۵-۲-۴-۳. ارزیابی

اساساً منشأ اسناد سهو به پیامبر (ص) در نگره حاضر، تنها استناد به حدیث ذوالیدین و با ابتناء بر صحت حدیث است. در حالی که حدیث یادشده از لحاظ سند و دلالت مخدوش است. چون نه تنها از اخبار آحاد است، بلکه همین خبر دارای تذبذب آراء ناقلین، بلکه دلالت واحد و متقنی ندارد. به عنوان مثال حدیث می‌گوید؛ پیامبر (ص) شروع به «نافله» کرد سپس «فریضه» را بجا آورد! (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳، ۱: ۱۹؛ طوسی، ۱۳۶۵، ۲: ۳۴۷). در نتیجه حدیث مورد اشاره به‌هیچ‌وجه از قوت لازم برای اثبات یک عقیده دینی برخوردار نیست. بلکه در تراحم آشکار با مستندات مستحکم عقلی و نقلی است. همچنین استدلال شیخ صدوق مبنی بر دوری از پرستش پیامبر (ص) و حفظ وجهه بشری به وسیله القاء سهو، صحیح نیست. چون

چنین هدفی از طرق مختلفی از جمله تأکید پیامبر(ص) بر بشریت خود میسر است(ر.ک؛ شبر، ۱۴۲۴، ۱: ۱۳۹). دیگر اینکه اصل مدعای ایشان نیز مسموع نیست. پذیرش ویژگی عصمت و ناپیراستگی از اشتباه در عمل به شریعت، متعارض است و عقلا و نقلا قابل دفاع نیست. بعلاوه این سخن شیخ صدوق با دیگر مواضع صریح و جدی ایشان در جای دیگر مبنی بر خطاناپذیری پیامبر(ص) تهافت دارد(ر.ک؛ صدوق، ۱۴۱۴، ۹۶). پس احتمال ورود خطا از خود شیخ صدوق، نه پیامبر(ص)، نزدیک‌تر به واقع است(ر.ک؛ مظفر، بی‌تا: ۹۰).

۶. عصمت در مرتبه امور عادی

تحدید معنا و مفاد عصمت پیامبران در امور عادی چنین است که پیامبران در انجام کارهای فردی و اجتماعی معصوم از هر گونه سهو، خطا و اشتباه هستند.

۶-۱. تبیین دیدگاه

دانشمندان مذهب امامیه از قدما تا معاصرین معتقد به پیراستگی و عصمت انبیاء به صورت مطلق هستند. اگرچه بیشتر بزرگان امامیه بحث عصمت از سهو در امور عادی را مستقلا مطرح نکرده‌اند اما از موضع گیری و تأکید آن‌ها بر عصمت مطلق (انبیاء از اول تا پایان عمر در همه‌ی اقوال افعال تروک و تقریرات، از هر گونه سهو خطا و نسیان معصوم اند) استظهار می‌شود عصمت در امور عادی نیز درون این دامنه‌ی وسیع از عصمت موجود است(ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳، ۱۳۰؛ طوسی، ۱۴۱۴، ۹۷؛ همان، ۱۴۰۶، ۲۶۰؛ سدآبادی، ۱۴۱۴، ۴۹؛ طوسی، ۱۴۰۷، ۲۱۳؛ حلی، ۱۹۸۲، ۱۴۲). اما برخی از متکلمان نظیر فاضل مقداد، علامه مجلسی و آیه‌الله سبحانی و جز آن تصریح بر عصمت پیامبران در امور عادی نموده‌اند(ر.ک؛ مقداد، ۱۴۰۵، ۳۰۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۵: ۳۵۱؛ سبحانی، ۱۴۱۲، ۳: ۱۹۱). شایان ذکر است، سایر مذاهب اسلامی در باب عصمت پیامبران در امور عادی، تخصصا خارج از محل بحث‌اند. زیرا آن‌ها حتی عصمت از سهو در مرتبه عمل به شریعت را نیز باور ندارند(ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ۳: ۴۴۵؛ عبدالجبار، ۱۴۲۲، ۳۸۸).

۶-۲. برهان

حکمت و هدف الهی از بعثت رسولان و نشر شریعت، بدون تردید هدایت انسان است. تحقق این هدف در گرو وثوق و اطمینان مردم نسبت به مطلق گفتار و کردار انبیاء است. با فرض

بروز خطا و اشتباه در قول و فعل ایشان ولو در امور عادی زندگی، برابندی چون تنفر و سلب اعتماد مردم و تحقق نیافتن هدف بعثت را نتیجه می‌دهد. با تامل در این نکته که عرف مردم قادر بر تمایز میان خطا در امور عادی زندگی و امور شرعی نیستند. بنابراین جهت کسب وثوق و حصول غرض بعثت، تجهیز نمودن رسولان به ویژگی عصمت مطلق حتی در عرصه امور عادی، ضروری است (ر.ک؛ حلی، ۱۳۸۲، ۷۱؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۵، ۳۰۵؛ سبحانی، ۱۴۱۲، ۳: ۱۹۱).

۳-۶. ارزیابی

برهان «وثوق و حصول غرض» در پوشش دادن قلمرو عصمت انبیاء در امور عادی، قطعاً از اتقان و استحکام لازم و کافی علمی برخوردار است. حتی خصوص برهان یادشده (با تعمیم و تسری منشا خطا از نظر عرف مردم) قادر است سهو در امور عادی غیر نفرت‌آور و دور از دیدگان را پوشش دهد. افزون بر آن عصمت انبیاء در امور عادی، جزو «عصمت علمی» است. و رسولان از نظر علمی بهره‌مند از دانش لدنی، متصل به مبدا وحیانی و خطاناپذیرند (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۶: ۱۱۱؛ مصباح یزدی، ۱۳۶۷، ۴۷۴). بنابراین بدون تردید لازمه‌ی چنین علمی پیراستگی از خبط و خطا در امور عادی غیر نفرت‌آور و پنهانی نیز خواهد بود. از این‌روی انبیاء الهی در شئون زمینی و عادی، بسان شئون آسمانی و دینی از هویتی معصومانه برخوردار هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

ثمره مباحث مورد مطالعه این است که پیامبران ضرورتاً از عصمت برخوردارند. قلمرو عصمت رسولان قابل تقسیم و تنظیم به پنج مرتبه است. مرتبه نخست، نگره عصمت انبیاء از هر گونه کفر و شرک، مورد وفاق متکلمان اسلامی است. مرتبه دوم، دیدگاه صیانت پیامبران در تلقی و حفظ شریعت مورد اجماع اندیشمندان اسلامی است. مرتبه سوم، نظریه عصمت انبیاء در تبلیغ احکام و معارف شریعت، مورد پذیرش همه متکلمان مسلمان، الا باقلانی است. مرتبه چهارم، پس از تبیین و بررسی سه انگاره موافق و چهار مخالف، نهایتاً نخستین رهیافت یعنی عصمت مطلق برای رسولان برگزیده شد. مرتبه پنجم، نظریه پیراسته بودن انبیاء از سهو، خطا و اشتباه در امور عادی، تأیید و تثبیت شد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Mahdi Mahdavi Ala
Alireza Khatam Shishebor



<http://orcid.org/0000-0003-3728-8506>



<http://orcid.org/0000-0000-1948-7189>

منابع

- آمدی، سیف الدین. (۱۴۲۳ق.). *أبکار الأفكار فی اصول الدین*. محقق: احمد محمد مهدی. قاهره: دار الکتب.
- ابن ابی الحدید. (۱۳۷۸ش.). *شرح نهج البلاغه*. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی.
- ابن حزم اندلسی. (۱۹۸۰م.). *رسائل ابن حزم اندلسی*. محقق: احسان عباسی. بیروت: الموسسه العربیه.
- ابن حزم، علی بن احمد. (۱۴۱۶ق.). *الفصل فی الملل و الاواء و النحل*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق.). *مقائیس اللغه*. محقق: محمد هارون. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق.). *لسان العرب*. مصحح: احمد فارس. بیروت: دار الفکر.
- ایجی، عبدالرحمن بن احمد. (بی تا). *المواقف فی علم الکلام*. بیروت: عالم الکتب.
- بحرانی، ابن میثم. (۱۴۰۶ق.). *قواعد المرام فی علم الکلام*. محقق: احمد حسینی. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی.
- تفتازانی، سعد الدین. (۱۴۰۷ق.). *شرح العقائد النسفیة*. محقق: حجازی سقا. قاهره: مکتبه الکلیات الازهریه.
- تفتازانی، سعدالدین. (۱۴۰۹ق.). *شرح المقاصد*. محقق: عبد الرحمان عمیره. قم: شریف رضی.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق.). *من لا یحضره الفقیه*. بیروت: انتشارات دار الأضواء.
- جرجانی، علی بن محمد. (۱۴۱۲ق.). *التعریفات*. تهران: ناصر خسرو.
- _____ (۱۳۲۵ق.). *شرح مواقف*. محقق: علی بن محمد جرجانی. قم: شریف رضی.
- جوادی، عبدالله. (۱۳۸۴ش.). *تفسیر موضوعی قرآن کریم*. محقق: علی زمانی. قم: اسراء.
- جوینی، عبد الملک. (۱۴۱۶ق.). *الارشاد الی قواطع الادله فی اول الاعتقاد*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۸۲ش.). *رساله السعدیه*. محقق: علی اوجبی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- _____ (۱۹۸۲م.). *نهج الحق و کشف الصدق*. بیروت: دار الکتب اللبنانی.

حمصی رازیف سدید الدین. (۱۴۱۲ق.). المنقذ من التقليد. قم: موسسه نشر اسلامی.
راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق.). مفردات الفاظ القرآن. محقق: عدنان داودی. سوریه: دار العلم.
ربانی گلپایگانی، علی. (۱۳۹۵ش.). ایضاح المراد. قم: راند.
سبحانی، جعفر. ۱۳۸۳ش. منشور جاوید. قم: موسسه امام صادق (ع).
_____ (۱۴۱۲ق.). الالهیات علی هدی الكتاب والسنة والعقل. قم: مرکز العالمی للدراسات

الاسلامیه.

سدآبادی، عبد الله. (۱۴۱۴ق.). المقنع فی الامامة. قم: موسسه نشر اسلامی.
سید مرتضی. (۱۴۰۵ق.). رسائل الشریف المرتضی. قم: دار القرآن الکریم.
شیر، عبد الله. (۱۴۲۴ق.). حق الیقین فی معرفه اصول الدین. قم: انوار الهدی.
شیخ صدوق، ابو جعفر. (۱۴۱۴ق.). الاعتقادات. قم: المؤتمر العالمی.
شیخ مفید. محمد بن نعمان. (۱۴۱۳ق.). النکت الاعتقادیه. قم: مؤتمر العالمی.
صلاح شرفی، احمد بن محمد. (۱۴۱۱ق.). شرح الأساس الکبیر. محقق: احمد عارف. صنعاء.
دارالحکمه الیمانیه.

طباطبائی. محمد حسین. (۱۳۷۸ش.). شیعه در اسلام. قم: دفتر نشر اسلامی.
_____ (۱۴۱۷ق.). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: نشر اسلامی.

طوسی. محمد بن الحسن. (۱۴۱۴ق.). الرسائل العشر. قم: نشر اسلامی.
طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۵ش.). التهذیب الاحکام. محقق: حسن موسوی. تهران: دارالکتب
الاسلامیه.

_____ (۱۴۱۳ق.). قواعد العقاید. مصحح: علی حسن خازم. لبنان: دارالغربیه.
طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق.). تجرید الاعتقاد. به تحقیق حسینی جلالی. بی جا (برگرفته از نرم
افزار نور- کلام اسلامی). دفتر تبلیغات اسلامی.
طوسی، محمد بن محمد. (۱۴۰۶ق.). الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد. بیروت: دار الاضواء.
عبدالجبار، ابوالحسن. (۱۴۲۲ق.). شرح اصول خمسہ. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
_____ (۱۹۶۵م.). المغنی فی ابواب التوحید والعدل. به تحقیق جورج فنوتی. قاهره:

دارالمصریه.

علامه عسکری، مرتضی. (بی تا). عصمه الانبیاء و الرسل. بی جا (برگرفته از نرم افزار نور- کلام
اسلامی).

غفار، عبد الرسول. (۱۴۱۵ق.). شبهه الغلو عند الشیعه. بیروت: دار المحججه البیضاء.
فاضل مقداد، جمال الدین. (۱۴۰۵ق.). ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين. قم: کتابخانه آیه الله
مرعشی.

فخر رازی، محمد بن عمر. ۱۴۰۷ق. *المطالب العالیه من العلم الإلهی*. محقق: حجازی سقا. بیروت. دار الكتاب العربی.

_____ . (۱۴۰۹ق). *عصمت الانبیاء*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

_____ . (۱۴۲۰ق). *تفسیر مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

_____ . (۱۹۸۶م). *الأربعین فی اصول الدین*. قاهره: مکتبه کلیات الازهریه.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). *العین*. محقق: مهدی خزومی. قم: هجرت.

فیاض لاهیجی، عبد الرزاق. (۱۳۸۳ش). *گوهر مراد*. مصحح: موسسه امام صادق ع. تهران: نشر سایه.

قاری هروی، علی. (۱۴۲۱ق). *شرح الشفاء*. مصحح: عبد الله محمد خلیلی. بیروت: دار الکتب العلمیه.

مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴ق). *بحار الانوار*. بیروت: انتشارات موسسه وفا.

مرتضی، علی بن الحسین. (۱۲۵۰ق). *تنزیه الانبیاء*. قم: شریف رضی.

مرتضی، علی بن الحسین. (۱۴۱۱ق). *الذخیره فی علم الکلام*. محقق: احمد حسینی. قم: موسسه نشر

إسلامی.

مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۶۷ش). *راهنماشناسی*. قم: مرکز مدیریت حوزه.

_____ . (۱۳۸۴ش). *آموزش عقائد*. بی جا: نشر بین الملل سازمان تبلیغات.

مظفر، محمد حسین. (بی تا). *علم الإمام*. بی جا (بر گرفته از نرم افزار نور - کلام اسلامی).

مفید، محمد بن نعمان. (۱۴۱۳ق). *عدم سهر النبی*. قم: المؤتمر العالمی.

_____ . (۱۴۱۳ق). *تصحیح اعتقادات الامامیه*. قم: مؤتمر العالمی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

استناد به این مقاله: مهدوی اعلا، مهدی، خاتم شیشه بر، علیرضا. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی قلمروی عصمت انبیاء از منظر اندیشمندان علم کلام با محوریت سید مرتضی و فخرالدین رازی. *پژوهشنامه کلام تطبیقی شیعه*، ۲ (۳)، ۱۶۸-۱۴۷.



Biannual Journal of Research in Shi'a Comparative Theology is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.